صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری راه روشن
مدیر روابط عمومی: سید علی ساداتی نژاد
خبرنگاران: شیوا قزوینه ، فاطمه بصیرتی
طراح و صفحه آرایی : علی دشتی منفرد ، حمید رضا کلیابی
آدرس: کاشان-بلوار باهنر-کوی شهید متقی- پلاک ۵۴- مجتمع راه روشن
بازرگانی: ۰۹۱۳۹۶۲۶۳۸۶
مدیر مسئول: سید حسین ساداتی نژاد
مدیر بازرگانی: فاطمه بصیرتی
سردبیر: محمد ادریسی
دبیر پژوهشی: مجتبی خندان
دبیر فرهنگی : محمد مهدی سعیدی
امور چاپ: چاپخانه صمیم
روابط عمومی: ۰۹۱۳۹۶۱۸۰۹۸

حدیث روز

اَلا اُخبِرُکُم بِالفَقیهِ حَقَّ الفَقیهِ؟ مَن لَم یُرَخِّص النّاسَ فی مَعاصی اللّهِ وَ لَم یُقَنِّطهُم مِن رَحمَهِ اللّهِ وَ لَم یُؤمِنهُم مِن مَکرِ اللّهِ وَ لَم یَدَعِ القُرآنَ رَغبَهً عَنهُ إلی ما سِواهُ، وَ لا خَیرَ فی عِبادَهٍ لَیسَ فیها تَفَقُّهٌ. وَ لا خَیرَ فی عِلمٍ لَیسَ فیهِ تَفَکُّرٌ. وَ لا خَیرَ فی قِراءَهٍ لَیسَ فیها تَدَبُّرٌ.
آیا شما را از فقیه کامل خبر ندهم؟ آن که به مردم اجازه نافرمانی خدا را ندهد، و آن‌ها را از رحمت خدا نومید نسازد، و از مکر خدای‌شان آسوده نکند، و از قرآن رو به چیز دیگر نکند، و خیری در عبادت بدون تفقّه نیست، و خیری در علم بدون تفکّر نیست، و خیری در قرآن خواندن بدون تدبّر نیست.

مفاخر و مشاهیر ایران زمین

کشتی گیر ایرانی، قهرمان ملی؛ جهان‌پهلوان غلامرضا تختی

غلامرضا تختی (۵ شهریور ۱۳۰۹ در تهران - ۱۷ دی ۱۳۴۶ در تهران) هم‌چنین مشهور به لقب «جهان‌پهلوان کشتی‌گیر ایرانی و در فرهنگ ورزشی ایران، به اعتقاد برخی نماد پهلوانی است. او فعال سیاسی و عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران بود.

تختی در المپیک ۱۹۵۶ ملبورن به همراه امام‌علی حبیبی نخستین مدال‌های طلای تاریخ ورزش ایران در بازی‌های المپیک را کسب کرد. او با یک مدال طلا و دو مدال نقره المپیک، دو طلا و دو نقره قهرمانی جهان و یک طلای بازی‌های آسیایی در فهرست برترین‌های قرن فیلا در جایگاه سیزدهم قرار دارد. وی یکی از سه کشتی‌گیر ایرانی (در کنار امام‌علی حبیبی و عبدالله موحد) است که تصویر آنها در تالار افتخارات فیلا نصب شده است.

مزار تختی در ابن بابویه شهر ری واقع شده‌است.

ز ند گی

غلامرضا تختی در محله خانی‌آباد در جنوب تهران از خانواده‌ای تهرانی زاده شد. «رجب خان» (پدر تختی) متولد ۱۲۷۴ محله دروازه غار تهران و مادرش از خانواده سنتی تهران بود. اجداد او اهل استان همدان و اصالتی آذری داشتند. با تبدیل شدن وی به یک «قهرمان ملی»، گاه داستان‌هایی درباره او گفته می‌شود که لزوماً صحت تاریخی ندارند. در ایران از تختی به عنوان «جهان‌پهلوان» یاد می‌شود. کتاب‌های زیادی در وصف او تألیف شده است، فیلمی سینمایی در مورد وی ساخته شده، حتی تندیسی از وی ساخته شده و در میدان تجریش در شهر تهران نصب شده است. به افتخار او هر ساله به بهترین کشتی‌گیران ایران «جایزه غلامرضا تختی» اهدا می‌شود. تختی در طول زندگی خود به کارهای عام‌المنفعه پرداخت و خدماتی به محرومان کرد. او عضو جبهه ملی ایران بوده و در نهضت ملی‌شدن نفت در ایران فعالیت داشت.

حاج قُلی، پدربزرگ غلامرضا تختی، در محله خانی‌آباد، از اربابان خانی آباد و یخچال دار شناخته شده تهران بود. در دکانش بر روی تخت بلندی می‌نشست و به همین سبب در میان اهالی خانی‌آباد به «حاج قلی تختی» شهرت یافته بود. همین نام بعدها به نام خانوادگی آن‌ها تبدیل شد. ارباب رجب، پدر غلامرضا تختی، یخچال دار ورشکسته بود که زود درگذشت و او را با تنگدستی یتیم گذاشت (زمین‌های یخچال ارباب رجب دقیقاً از راه آهن می‌گذرد که حکومت رضاشاه برای احداث راه آهن زمین‌های ارباب رجب را خریداری می‌کند). سال‌های نخستین غلامرضا تختی در ۵ شهریور ۱۳۰۹ در محله خانی‌آباد در جنوب تهران به دنیا آمد. او دو برادر و دو خواهر داشت که همه آن‌ها از وی بزرگ‌تر بودند. وی تحصیلات ابتدایی را در دبستان حکیم نظامی تهران گذراند و پس از گذراندن اول متوسطه در دبیرستان منوچهری تهران ترک تحصیل کرد. تختی همراه کار، به ورزش زورخانه‌ای و کشتی نزد پهلوان سید علی حق‌شناس پهلوان اول ایران و پایتخت می‌پرداخت. او در سال ۱۳۲۷ به خدمت سربازی رفت و در ۲۵ مهر همان سال در اداره راه‌آهن استخدام شد. وی پیشینه کار در شرکت نفت مسجد سلیمان را هم داشت....

یادداشت

منِ بیچاره ی در راه مانده

تاسلطان ماشین را توی کوچه پارک کند پیاده می شوم.خورشید ظهر تیر آمده وسط آسمان. بوی آهن آفتاب خورده ماشین هایی که بغل کوچه پارک شده می زند زیر دماغم وهُرم باد داغ می ریزد توی پک و پهلوی چادر جلابیبم. تابستان دارد با زبان بی زبانی از زمین و آسمان می بارد و انگشتش را می کند توی چشم خلایق.از سر کوچه که می پیچم سر و کله مغازه های پرچم فروشی پیدا می شود.توی باغچه سر کوچه گنجشک ها با بال های نیمه باز ،منقارهای کوچکشان را به قاعده صد و هشتاد درجه باز کرده اند و بین‌علف ها از شدت تشنگی له له می زنند.طفلکی ها جانشان از گرما به نوکشان رسیده.همان مغازه اول می ایستم.چشمم می افتد به مرد زخمی اسب سواری که موهای بلندش روی شانه هایش پخش و پلا شده و دارد درست می رود به دلِ سیاه عمر سعد.حسن روح الامین را تحسین می کنم .از ذهنم می گذرد که بهتر از این نمی توانست نشان بدهد که«برای آنچه اعتقاد دارید ایستادگی کنید حتی اگر هزینه اش تنها ایستادن باشد».چقدر این چند هفته گذشته این جمله را دیدم و شنیدم.

مرد پشتش به من است و رویش به دشمن و این یعنی من احتمالا سمت خیمه ها ایستاده ام.دور و برم را نگاه می کنم...اینجا پیاده روی خیابان زند است،روبروی مغازه پرچم فروشی. عابرهای پیاده به سرعت از کنار هم رد می شوند.پیرمردی که صورتش را خال های گوشتی پر کرده و دماغ پت و پهنی دارد از آدم‌ها کمک می خواهد.توی کیفم دنبال پول می گردم!اثری از کیف پولم نیست!یک لحظه هنگ می کنم. یادم می آید امروز صبح با عجله کیفم را عوض کردم و یادم رفته کیف پولم را بردارم.پیرمرد می آید سمت من و اصرار می کند.سر کوچه را می پایم،سلطان هنوز نیامده.دلم برای پیرمرد می سوزد اما راهی ندارم. راست و حسینی می گویم« ببخش پدر پول ندارم».

پیرمرد چپ چپ نگاهم می کند اولش می خواهد برود اما بر می گردد و با سماجت می گوید:«ولی خانم به قیافه ت نمیخوره پول نداشته باشی!»خنده ام می گیرد.می روم توی مغازه بلکه دست از سرم بردارد.بین پرچم ها قدم می زنم. با خودم فکر می کنم که چقدر خوب شد که قرن یک هجری اثری از صنعت عکاسی و تصویر برداری نبود،هرچند که سید ابن طاووس با آن ادبیات فاخر توی لهوف از عهده نشان دادن آن اتفاقات برآمده.توی دلم به مادرحسن روح‌الامین غبطه میخورم.آن حادثه را پسر او روی بوم کشیده تا شنیدن کی بود ماندن دیدنِ شاعر را به رخ عالم و آدم بکشد.شروع می کنم بین کتیبه ها دنبال حرف جدیدی می گردم.نقاشی سردار زخمی بنی هاشم را نمی شود برد توی خانه و زد روی دیوار .صحنه های کارزار لهوف آینه های دقدمال وسط روضه اند.باید به اسامی مقدس اکتفا کرد همان ها که حضرت آدم همه اش را بلد بود«و علم آدم الاسما کلها....».

وسط مغازه کتیبه نوشته ای مخملی چشمم را می گیرد.زمینه‌کرمی با نوشته های مشکی و طرح‌های اسلیمی زرشکی و یراق های نخ نخ طلایی که جلو باد شرجی پنکه مغازه هرولهٔ می کنند.همین‌خوبست.«السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین»اشک توی چشم‌هایم پر می خورد.

از مغازه می آیم بیرون تا ببینم سر و کله سلطان پیدا می شود یا نه....هیچ خبری نیست. می خواهم برگردم داخل مغازه که پیرمرد ناغافل جلوام سبز می شود.با خودم می گویم« عجب پیله ای هست ها!!»

می آید نزدیک و با دسته عصا می زند روی شانه اممی گوید «خانم بیا یه دیقه کارت دارم!

_ بفرما پدر ؟

_ شرمنده بابا یه مبلغ ناچیزی بهت بدم ناراحت نمیشی؟؟؟گفتی پول ندارم دلم برات سوخت.....

خنده ام می گیرد.پیرمرد تا همین دو دقیقه پیش از خیر هیچ‌عابری نمی گذشت حالا می خواهد به من بیچاره در راه مانده کمک کند. یادم می افتد به امکان فقری ملاصدرا احتیاجی که سرتاسر عالم را پر کرده.ما همه فقیریم حتی اگر به قیافه‌مان نیاید...

_ برو پدر دستت درد نکنه،پول دارم فقط همراهم نیست

پیرمرد می گوید:

_ مطمئنی....

_ بله خیالت راحت....

پیرمرد می رود و من را با یک دنیا امکان فقری تنها می گذارد.با احساسات درهم و برهم بر می گردم داخل مغازه .مردِ روی اسب هنوز بخاطر عقایدش تنها وسط میدان ایستاده.انگار دارد با زبانِ حال می گوید تنها ایستادن اعتراف به امکان فقریست.منتظر توجه‌چاره ساز بودن است و یا چیزی شبیه این حرف ها...

یک دور دیگر بین پرچم هامی زنم. سلطان می رسد. او هم کتیبه را می پسندد.خانم فروشنده کارت را می کشد و پاکت را می دهد دستمان. توی خیابان‌چشم‌چشم می کنم اثری از پیرمرد نیست...

همه‌آدم ها فقیرند.

طیبه فرید

یادداشت

سه ساله‌ی کاردان

باورش سخت است که بچه سه ساله هم، کاردان باشد و بلدکار.

اما خب هیچ چیز زیر این گنبدکبود، بعید نیست.خصوصا وقتی جده آن سه ساله فاطمه زهرا باشد و جدش علی مرتضی و مادرش رباب... البته بیایید جوردیگری به محبت پدر و دختری هم بنگریم. محبت رقیه، عشق بود شاید نه عشق به حسین فقط، نه فقط عشق دخترانه به پدری که زیر آسمان مانندش نبود.

عشقی از جنس ولایت. ولایت حسین برقلب و زندگی سه ساله.

روضه رقیه را خلاصه کردن در اشک و ناله دخترک یتیم ناتوان، جفاست به روضه دخترکی که هنوز هم با دست‌هایش گره گشاست.

فکر میکنم رقیه هم خوب کاربلد بوده هم رمز و راز عاشقی را بلد بوده، هم رمز و راز دلدادگی برای حسین را.

البته که اشعار پدر برای مادرش رباب هم بی‌تاثیر نبوده.حالا این وسط چه تفاوت میکند نامش فاطمه صغری باشد یا رقیه..

مهم این است که سه ساله کاری کرد که علاوه بر دلسوزی، تا دنیا دنیاست، وجدان آدم‌ها بجنبد. انسانی ترین نقطه قلب را نشان می‌گیرد و آتشش می‌زند.

رقیه دست کم وجدان آدمهای سال۶۸ را، به درد می آورد و از پس هزارسال، هنوز زنده است. هم خودش، هم قصه پردردش. هم اشکش. هم فاطمی رفتارکردنش، هم تاثیرگذاری نه به قدرسه ساله بودنش.

دختر سه ساله هم می‌تواند قد بکشد به اندازه تاریخ، هرکس می‌تواند موثر باشد به شرط اینکه دل به عاشقی بدهد به امامش...

زهرا نجاتی

رضایت نمایندگان وزیر ارشاد از پیشرفت روند ساخت مسکن هنرمندان

نمایندگان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بازدید از پروژه مسکن در حال ساخت ویژه هنرمندان در شهرک هنر پرند ، ضمن گفت‌وگو با مجری پروژه از نزدیک در جریان روند پیشرفت کار و ساخت و ساز این مکان قرار گرفتند.

سید مجید پوراحمدی؛ رئیس هیئت مدیره صندوق اعتباری هنر در حاشیه بازدید از روند ساخت پروژه مسکن هنرمندان با نام شهرک هنر واقع در منطقه مسکونی پرند، به کلنگ‌زنی این پروژه ۸۰۰ واحدی در آبان‌ماه سال گذشته با حضور محمدمهدی اسماعیلی؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسئولان فرهنگی و هنری و شماری از هنرمندان اشاره و بیان کرد: تأمین امکانات برای خانه‌دار شدن اصحاب فرهنگ و هنر از موضوعات مورد تأکید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از ابتدای دولت مردمی بود. بر این اساس طبق توافق های به عمل آمده و پیگیری‌های انجام شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صندوق هنر با وزارت راه و شهرسازی، امکان ثبت نام اعضای صندوق در سامانه جامع طرح های حمایتی مسکن فراهم شد.

وی در ادامه افزود: در گام نخست پس از اعلام اسامی تمامی اعضای صندوق به وزارت راه و شهرسازی، با ارسال پیامک و انتشار فراخوان به تمامی اعضا برای ثبت نام در سامانه جامع طرح‌های حمایتی مسکن اطلاع‌رسانی انجام شد.

پوراحمدی تصریح کرد: ۵ هزار نفر در سراسر کشور واجد شرایط شناسایی شدند که از این تعداد هزار و ۷۰۰ نفر را هنرمندان ساکن در استان تهران تشکیل می دادند. براین اساس قطعه زمینی با موقعیت مکانی مناسب در فاز صفر شهر جدید پرند، برای ساخت بخشی از مسکن هنرمندان تخصیص داده شد و در شورای عالی شهرسازی نام شهرک هنر برای این پروژه مصوب گردید.

مشاور وزیر فرهنگ با اشاره به تکمیل پرونده ۸۰۰ هنرمند متقاضی مسکن گفت: طی چند مرحله با انتشار فراخوان و ارسال پیامک، از هنرمندان متقاضی برای ارائه مدارک و تکمیل پرونده دعوت بعمل آمد و پرونده افرادی که به صندوق مراجعه نمودند برای اقدامات بعدی به وزارت راه و شهرسازی و شرکت عمران پرند ارسال شد.

پور احمدی با اشاره به پیگیری های انجام گرفته برای تخصیص تسهیلات برای هنرمندان، گفت: تاکنون بیش از ۴۷۰ نفر قسط اول را پرداخت کرده اند.

وی با اشاره به اینکه مجری این پروژه قرارگاه خاتم‌الانبیاست، گفت: با مشخص شدن پیمانکار و مجری پروژه شاهد پیشرفت چشمگیر و قابل توجه از زمان کلنگ زنی هستیم. تا جایی که خاک برداری و فوندانسیون انجام و برخی واحدها نیز ستون گذاری شده است. مسئولان و مجریان شرکت عمران پرند نیز بر روند کار نظارت دارند.

مشاور وزیر فرهنگ و مدیر عامل صندوق اعتباری هنر در ادامه با بیان اینکه سقف تسهیلات مسکن هم تا ۸۵۰ میلیون تومان افزایش یافته، تأکید کرد: این پروژه یکی از اقدامات مهم و شاخص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت سیزدهم است.

پور احمدی همچنین با اشاره به ضرورت لحاظ پیوست فرهنگی در پروژه‌های عمرانی، اظهار داشت: دسترسی به امکانات فرهنگی برای این شهرک پیش بینی شده است. با تکمیل این پروژه در آینده نزدیک شاهد شهرک فرهنگی و هنری خواهیم بود.

رئیس هیئت مدیره صندوق اعتباری هنر خاطرنشان کرد: با همکاری خوبی که با وزارت راه و شهرسازی و مدیریت شهر پرند داریم و از سوی دیگر با همت و تجربه مجری و پیمانکار پروژه امیدواریم شهرک هنر در کمتر از دو سال آینده به بهره برداری برسد.

مدیرعامل صندوق اعتباری هنر با اشاره به پیگیرهای انجام گرفته از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صندوق اعتباری هنر در دولت سیزدهم گفت: این پروژه در حال ساخت توسط دولت سیزدهم به دولت چهاردهم تحویل داده می شود، امیدواریم با توجه به رویکرد دولت چهاردهم، روند پیشرفت ساخت و ساز آن بدون توقف ادامه پیدا کرده و در کمترین زمان ممکن واحدهای ساخته شده تحویل هنرمندان عزیز شود.

رشد اقتصادی و نصف شدن بدهی ها

وزارت امور اقتصادی و دارایی با اعلام اینکه بدهی دولت نصف شده و اقتصاد ایران در دولت سیزدهم به رشد پایدار رسیده است، تاکید کرد: آنچه از دولت سیزدهم برای دولت جدید به یادگار مانده یک حرکت رو به رشد اقتصادی است که انتظار می‌رود، در دولت چهاردهم تداوم یابد.

به گزارش تین نیوز ، وزارت اموراقتصادی و دارایی در پاسخ به گزارش روز ۲۱ تیرماه روزنامه آرمان امروز با عنوان «میراث دولت سیزدهم برای پزشکیان؛ از بدهی سنگین تا رشد اقتصادی» توضیح داد: بر خلاف ادعاهای مطرح شده در خصوص انتشار اوراق و بدهی سنگین دولت فعلی برای دولت جدید، لازم به یادآوری است که کل اوراق مالی منتشر شده در دولت‌های یازدهم و دوازدهم (به خصوص از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹) معادل ۵۳۰ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان بوده است. در دولت سیزدهم نیز معادل ۷۳۴ هزار و ۳۱۸ میلیارد تومان اوراق مالی جدید (از ۲۰ مرداد ۱۴۰۰ تا ۲۰ تیر ۱۴۰۳) منتشر شده و الباقی از میزان اوراق مالی منتشر شده در دولت سیزدهم معادل ۳۶۲ هزار و ۷۱۲ میلیارد تومان (نیمی از کل اوراق مالی منتشر شده) صرف بازپرداخت اوراق سررسید شده دولت یازدهم و دوازدهم شده است.

دولت سیزدهم تلاش کرده انتشار اوراق مالی نقش گسترده‌ای در تامین مالی بودجه نداشته باشد و عمده اوراق منتشر شده در دولت سیزدهم صرف تامین مالی هزینه‌های عمرانی از طریق اوراق تسویه خزانه شده است؛ به عنوان مثال در سال ۱۴۰۲ از ۳۵۲ هزار میلیارد تومان اوراق مالی منتشره معادل ۱۳۲ هزار میلیارد تومان به صورت غیرنقدی (اسناد خزانه اسلامی) و ۲۲۰ هزار میلیارد تومان به صورت نقدی (اوراق مرابحه عام) منتشر شده است.

واریزی به خزانه از محل ۳۵۲ هزار میلیارد تومان اوراق مذکور معادل ۳۰۸ هزار میلیارد تومان بوده است که ۱۶۲ هزار میلیارد تومان آن به صورت فروش نقدی اوراق بوده است.

علاوه بر این در سال ۱۴۰۲ مجموعا ۲۲۴ هزار میلیارد تومان تسویه اوراق گذشته به عنوان اصل و سود اوراق انجام شده است؛ بنابراین خالص انتشار اوراق در سال ۱۴۰۲ (کسر بازپرداخت اصل اوراق مالی از اوراق مالی نقدی فروش رفته) در صورت در نظر گرفتن تنها تأمین مالی بودجه عمومی به میزان ۷ هزار میلیارد تومان منفی است. در واقع دولت بنا نداشته است از محل اوراق، قرض جدید قابل توجهی ایجاد کند.

مانده بدهی اوراق مالی دولت‌های یازدهم و دوازدهم که در دولت سیزدهم تسویه شده است معادل ۳۶۲ هزار و ۷۱۲ میلیارد تومان بوده است که این رقم معادل ۹.۱ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری سال ۱۳۹۹ می‌شود اما در مقابل میزان تعهدات ایجاد شده ناشی از فروش اوراق مالی در دولت سیزدهم برای سال‌های آتی با ارزش اسمی ۷۷۵ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان معادل ۵.۵ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری سال ۱۴۰۲ است.

در خصوص رشد اقتصادی نیز هم مراجع آماری داخل و هم بانک جهانی رشد پایدار اقتصادی را در سه ساله دولت سیزدهم گزارش کرده‌اند که چشم انداز آن نیز مثبت است. رشد اقتصادی ایران در پایان سال ۱۴۰۲ مثبت بوده است.بر اساس آخرین نتایج حساب های ملی-فصلی مرکز آمار ایران، رشد اقتصادی (با احتساب نفت) در پایان سال ۱۴۰۲، ۵.۷ درصد و بدون احتساب نفت ۳.۴ درصد بوده است. همچنین بر اساس گزارش بانک مرکزی، تورم نقطه‌به‌نقطه و تورم سالانه در شهریور ماه ۱۴۰۰ یعنی زمان آغاز به کار دولت سیزدهم به ترتیب ۴۶.۳ و ۴۳.۹ درصد بود. این اعداد در ماه پایانی دولت سیزدهم به ترتیب به ۳۷ و ۳۱ درصد کاهش یافته است.

در همین حال در گزارش تازه بانک جهانی، رشد اقتصادی ایران در ۴ سال گذشته با واژه های «پایدار» و «مقاوم شده» توصیف شده و تغییر مسیر رشد اقتصادی از شرایط ناپایدار دهه نود به شرایط پایدار و باثبات مورد تاکید و تایید گزارش بانک جهانی قرار گرفته است.

دانشجویان دانشگاه شریف آموزش مقابله با «کیف قاپی» می‌بینند

مدیر حراست دانشگاه صنعتی شریف گفت: دانشگاه یک کانکس در خیابان اکبری حد فاصل خوابگاه دختران و دانشگاه به عنوان پاسگاه گشت به نیروهای بسیج ۱۱۷ نینوا داده است تا بتوانند امنیت هرچه بیشتر را برای دانشجویان فراهم کنند .

زینب امیدی: حکایت ناامنی اطراف دانشگاه صنعتی شریف و مالباخته شدن دانشجویان آن توسط سارقان و خفت‌گیران سال‌هاست که محل بحث بوده است؛ حالا این مساله برای چندمین بار تکرار و در یکی دو ماه اخیر آسیب‌های مختلفی به جان و مال تعدادی از دانشجویان زده است. این امر باعث شد دانشجویان این دانشگاه در فضای مجازی کارزاری تحت عنوان «درخواست رسیدگی به امنیت محله طرشت» راه بیاندازند تا مطالبات خود را عمومی‌تر و علنی‌تر از مسئولین مربوطه پیگیری کنند.

ماجرای دانشگاه شریف و امنیتی که باید تامین شود

البته این معضل در گذشته هم وجود داشته و موضوع جدیدی نیست؛ در سال ۹۷ دانشجویان در راستای حفظ امنیت اطراف دانشگاه با ۲ هزار و ۴۰۰ امضا پویش «امنیت نداریم» را راه انداختند. در سال ۱۴۰۱ نیز یک کمپین دانشجویی به نام #وایسا_باهم_بریم راه اندازی شد تا دانشجویان در کنار هم با این ناامنی مقابله کنند؛ اما آنچه شاهدش هستیم، ادامه‌دار بودن سناریوی سرقت و خفت گیری از دانشجویان دانشگاه شریف است. طی ماه‌های اخیر سرقت از کتابخانه مرکزی دانشگاه و انتشار فیلم دزدی از آنجا توسط شخصی که برای ورود به دانشگاه کارت جعلی انجمن فارغ التحصیلان را به حراست دانشگاه نشان داده بود حاشیه ساز شد و موجب گشت دانشجویان در محیط داخلی دانشگاه نیز بیشتر از قبل مراقب اموال شخصی خود باشند.

با توجه به اخبار زورگیری و سرقت از دانشجویان دانشگاه شریف که باعث راه اندازی کارزار درخواست رسیدگی به امنیت محل طرشت شده است؛ این مساله را از محمدحسین نریمانی عضو شورای صنفی خوابگاه احمدی روشن دانشگاه شریف نیز جویا شدیم.

نریمانی با اشاره به راه اندازی این کارزار در فضای مجازی گفت: مساله سرقت در محدوده دانشگاه شریف چیزی جدیدی نیست و ما هفته‌ای یکی دوبار به دیدن آن عادت کردیم. چندماه پیش خودم به هنگام ورود به خوابگاه شاهد دزدی گوشی از یک خانم بودم. یعنی ماجرای ناامنی این محدوده مختص دانشگاه شریف نیست و ساکنین این منطقه را هم درگیر کرده است.

تهدید با قمه، شکستن ترقوه و دزدیدن گوشی!

وی ادامه داد: دوماه پیش نیز مسئول شب خوابگاه پسران را پشت دیوار خوابگاه با قمه تهدید کرده بودند که در نهایت منجر به سرقت گوشی، درگیری و شکسته شدن استخوان ترقوه این فرد شده بود.

بیش از ۹۰ دانشجوی شریف از ۱۴۰۲ تاکنون مالباخته شدند

نریمانی در خصوص آمار دانشجویان مالباخته به علت ناامنی اطراف دانشگاه شریف نیز گفت: از دی ماه سال ۱۴۰۲ تا اردیبهشت ماه سال جاری، ۹۰ دانشجوی دانشگاه شریف فرم مربوط به سرقت و مالباختگی را پر کرده‌اند و ما اسامی، کد دانشجویی، کد ملی، وسیله سرقت شده و جزئیات محل وقوع حادثه را ثبت شده داریم. اما چیزی که به عینه شاهدش هستیم حاکی از بالاتر بودن این تعداد دارد. عده‌ای از دانشجویان به علت ناامیدی از پیگیری ماجرای مالباختگی خود قید پر کردن فرم و باقی ماجراهایش را می‌زنند.

به علت قدیمی بودن این معضل طی سالیان متمادی در دانشگاه شریف، چرایی این سوال را از محمدمهدی سخایی مسئول سابق کمیته امنیت شورای صنفی دانشگاه شریف نیز پرسیدیم.

سخایی در توضیح مشکل تامین امنیت این دانشگاه به تسنیم گفت: ما مساله تامین امنیت اطراف دانشگاه و خوابگاه طرشت را از سال‌های ۹۸،۹۹ از مسئولین دانشگاه و کلانتری ستارخان پیگیر بودیم، که نتیجه آن استقرار دو کانکس پلیس در خیابان قاسمی و سمت خوابگاه طرشت پایین اتوبان شیخ فضل الله شد.

سرباز صفر بدون تجهیزات لازم کفایت نمی‌کند

وی ادامه داد: هزینه کانکس‌ها از سمت دانشگاه پرداخت شد و بحث تامین نیروی آن بر عهده کلانتری بود، اما سرباز صفر بدون تجهیزات لازم کفایت نمی‌کرد و ما خواستار حضور نیروی کادری بودیم. به هرحال یک تامین امنیت نسبی برای دانشجویان فراهم شده بود؛ تا اینکه در اغتشاشات سال گذشته و درگیری‌های پیش آمده دو کانکس خسارت دید و از حالت کاربری خارج شد.

برگزاری کلاس های آموزشی مقابله با سرقت شخصی از مهرماه

برای بررسی بیشتر این معضل در دانشگاه شریف که هنوز بعد سال‌ها پیگیری به طول کامل حل و فصل نشده است، به سراغ آقای روح ورزی مدیر حراست دانشگاه صنعتی شریف رفتیم.

روح ورزی با اشاره به جلساتی که دانشگاه طی دوماه گذشته با رئیس اداره کیف قاپی آگاهی تهران بزرگ داشته است گفت: قرار شده تا برای ۷ خوابگاه دانشگاه توسط کارگاهان مجرب آگاهی تهران از ابتدای مهرماه و آغاز سال تحصیلی، آموزش آگاهی‌های مقابله با کیف قابی، موبایل قاپی و در کل سرقت شخصی داده شود؛ مثل اعلام مسیرهای پر خطر و با آمار بالای سرقت به دانشجویان، اعلام مسیرهای امن برای تردد در شب و یا آموزش اینکه گوشی و لب تاپ خود را هنگام عبور از پیاده رو و خیابان به چه نحوی دست بگیرند و نظیر این ها.

وی با اعلام این خبر که هفته گذشته با سردار رادان در خصوص بحث تامین امنیت دانشگاه شریف جلسه داشته اند تصریح کرد: سردار رادان نیز قول تامین امنیت هرچه بیشتر دانشگاه داده اند. همچنین ما جلسه دیگری با سرهنگ کریمی فرمانده سپاه ناحیه شهید باهنر داشتیم که طی آن، به حوزه بسیج ۱۱۷ نینوا دستور گشت زنی در مناطق اطراف دانشگاه را دادند. ما حالا شاهد حضور ماشین ها و موتورهای گشت زنی نیروهای بسیج هستیم که شرایط را تا حد زیادی بهتر کرده است و امیدواریم با شروع سال تحصیلی کمتر شاهد ناامنی در اطراف دانشگاه و خوابگاه های آن باشیم.

استقرار کانکس و گشت زنی های مداوم موجب ایجاد ناامنی برای سارقان و بزهکاران شده است

روح ورزی همچنین افزود: دانشگاه یک کانکس در خیابان اکبری حد فاصل خوابگاه دختران و دانشگاه به عنوان پاسگاه گشت به نیروهای بسیج ۱۱۷ نینوا داده است تا بتوانند امنیت هرچه بیشتر را برای دانشجویان فراهم کنند. وجود این کانکس و گشت زنی های مداوم موجب ایجاد ناامنی برای سارقان و بزهکاران خواهد شد.

دانشجویان شریف چه می خواهند؟

طبق آن چیزی که دانشجویان به صورت رسمی در کارزار رسیدگی به مشکل خود عنوان کرده‌اند، خواستار تامین نور مسیر تردد خوابگاه تا دانشگاه الخصوص مکان‌های تاریک هستند که در برخی مسیرها نیاز به تعمیر مجدد دارد.

همچنین در سمت غربی دانشگاه خوابگاه خودگردان دخترانه شریف وجود دارد که به علت وجود زمین متروکه‌ای که با فاصله کمی از این خوابگاه واقع شده و محل تجمع معتادین گشته، امنیت آنجا پایین آمده است.

این زمین در حال حاضر مشکل قضایی دارد و در دست بررسی است؛ اما دانشجویان خواستار مسدود کردن این زمین برای ورود خلافکاران و معتادین هستند تا از این طریق امنیت آن محدوده را بالا ببرند.

باغات طرشت نیز به علت مشکلات قضایی تعیین تکلیف نشده و محل تجمع سگ‌های ولگرد و اختفای خلافکاران گشته و دانشجویان خواستار دیوارکشی برای این زمین‌ها نیز هستند.

راه‌اندازی دوچرخه‌ها در مسیر خوابگاه تا دانشگاه، نصب کانکس و راه‌اندازی گشت پلیس، همچنین تامین سرویس مسیر خوابگاه‌ها تا دانشگاه و افزایش کیفیت دوربین‌ها به‌ویژه در خوابگاه‌ها از جمله درخواست‌های دانشجویان دانشگاه شریف برای تامین امنیت جانی و مالیشان است.

قطع به یقین حضور گشت های بسیج منطقه و استقرار کانکس می تواند تا حد زیادی به تامین امنیت دانشگاه شریف کمک کند، اما باقی مواردی که دانشجویان آنها را مطرح کردند نیز در صورت عدم رسیدگی با شروع سال تحصیلی جدید از مهرماه، شدت خواهند گرفت و به همین خاطر دانشجویان دانشگاه شریف خواستار پیگیری این مساله از کلانتری منطقه، شهرداری، دادستانی و یا حتی شورای عالی منطقه طرشت هستند تا به یک نتیجه اثر بخش در خصوص این مهم برسند.